

## کارکرد عقل در حوزه انقلابی با تأکید بر نقد رویکرد نص‌گرایانه در حوزه علوم اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

سعیدرضا شهری بیدگلی<sup>۱</sup>، احمد هاشمی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مهم در علوم اسلامی، مسئله عقل و عقل‌ورزی است و مشهور بین متعلمین علوم اسلامی این بوده که منابع استخراج احکام اسلام، قرآن، روایات و عقل است؛ لکن در مکاتب اسلامی، در میزان بهره‌وری از هر کدام به خصوص عقل، محل بحث است که برخی آیات و روایات را اصل و عقل و تعقل را در حداقل کاربرد در نظر می‌گیرند و برخی عقل را دارای کاربردی حداکثری می‌دانند؛ حال این سؤال مطرح است که حوزه‌های علمی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراجع تولید علوم اسلامی با رویکرد انقلابی، چه کارکردی را برای عقل متصور است؛ لذا نگارنده به جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای پرداخته و با روش توصیف و تحلیل محتوا، اطلاعات را تجزیه و تحلیل کرده و در جهت پاسخ به سؤال اصلی به یافته‌های ذیل دست یافته است: ۱. عقل مورد استفاده در حوزه علوم اسلامی، عقلی معرفت‌شناسانه است؛ ۲. عقل، کارکرد شناختی دارد؛ ۳. کارکرد نگرشی عقل هم در عقل نظری است و هم عقل عملی؛ ۴. در عقل نظری به صورت استقلالی، آلی و مبناسازانه نمود دارد؛ ۵. در عقل عملی با توجه به عقل نظری، چهار نمود خارجی وجود دارد: حوزه آزاداندیش، حوزه گفتمان‌ساز، حوزه نظریه‌پرداز و حوزه نوآور. در نهایت می‌توان گفت که حوزه انقلابی برای عقل و عقل‌ورزی کارکردی حداکثری قائل است.

واژگان کلیدی: عقل، عقل‌ورزی، کاربرد عقل، حوزه انقلابی، معرفت دینی

<sup>۱</sup> - کارشناسی ارشد مدرسی معارف، استاد حوزه (نویسنده مسئول)؛ [alizabihi11318@gmail.com](mailto:alizabihi11318@gmail.com)

<sup>۲</sup> - استاد حوزه، هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی؛ [seyedahmad53@gmail.com](mailto:seyedahmad53@gmail.com)

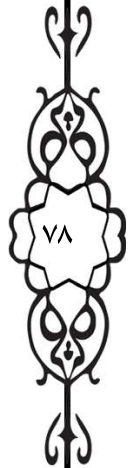
## مقدمه

عقل بر اساس روایات به‌عنوان حجت باطنی و زبان مشترک تمام انسان‌ها، نقش کلیدی در شناخت حق از باطل و خوب از بد ایفا می‌کند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر در تمام شاخه‌های علوم عقلی و نقلی، عقل نقش مؤثری از خود به‌جای نهاده است و از سوی سوم، در فهم گزاره‌های دینی، عقل نقش منبعیت و یا نقش ابزار فهم را به عهده دارد. تمام این‌ها نشان از اهمیت و کارایی این نیروی الهی است. بین اندیشمندان مسلمان نیز در تبیین گستره جایگاه عقل، اختلافاتی دیده می‌شود و در مرحله عمل گویا برخی برای آن کارایی متصور نیستند. در اهمیت عقل، همین بس که مخالفان آن نیز در استدلال بر مخالفت خویش از دلایل عقلی استفاده نموده‌اند و خواسته یا ناخواسته به دامن عقل پناه برده‌اند!

ضرورت این مبحث از جایی احساس می‌شود که معرفت‌شناسی غلط و استفاده از راهبردهای ناشایست، جامعه علمی را دچار پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون جمودگرایی در کشف و برداشت شریعت، و زمینه‌ساز برداشت نادرست از دین می‌کند و جامعه اسلامی را متحمل هزینه‌های زیاد در تمام ابعاد اعم از علمی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌نماید. همان‌طور که شاهد چنین رویکردهایی در حوزه‌های علمیه در برخی موارد نیز زیر پرچم تعبد به اهل بیت (ع) و پیروی از کلام ایشان و در عین حال بی‌توجه به کلام معصوم نسبت به درایت در روایات هستیم و مایه تأسف این‌که مجرای فهم دین که همان عقل است با آن‌همه تأکید در روایات، به عقلی‌رؤیایی در این حوزه‌های علمی و تفکری تفسیر شده و عقل کنار گذاشته شده و یا استفاده حداقلی از آن منظور است؛ حوزه انقلابی به‌مثابه مرجع و مدینه فاضله ما (برخاسته از سیره معصوم) که ارائه‌دهنده دینی کارکردی، مرجع، پاسخگو، پویا و زنده و عقل‌محور است مدنظر بوده و کارکردهایی را ارائه نموده است؛ بنابراین محقق در صدد پاسخ به این سؤال است که کارکردهای عقل در حوزه انقلابی چگونه است؟

مسائل مبنایی و حل آنها در حوزه، دارای اهمیت به‌سزایی است؛ لذا تبیین این‌گونه مسائل، باعث رشد روزافزون حوزه و رسیدن به یک حوزه ایده‌آل، یعنی حوزه انقلابی می‌شود. یکی از این

۱- قال الإمام الكاظم عليه السلام: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأُتَمَّةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ...» (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰)



مسائل مورد اهمیت، عقل و عقل‌ورزی است. هرچه این امر با قدرت بیشتری انجام پذیرد؛ معقولیت و مقبولیت دین آشکارتر و میل به دین بیشتر می‌شود و موجب شناخت زوایای پنهان بیشتری در دین می‌گردد و شناخت کاربردهای عقل، مسیری را در جهت پایان‌دادن به این نوع گزاره‌ها که "عقل بشری جزء بافته‌های ذهن نیست" نمایان می‌کند و این عقل انقلابی، تأثیری شگرف در صدور تفکرات بنیادین انقلاب اسلامی به عالم خواهد داشت.

پیشینه این مقاله به صورت عام، مقالاتی همچون مقاله «حوزه انقلابی در هندسه فکری شهید مطهری» از دکتر علی باقی نصرآبادی و مقاله «باز طراحی مؤلفه‌های حوزه انقلابی با تأکید بر آرای امام خامنه‌ای» از مرتضی حبیبی سی‌سرا و مقاله «شاخص‌های حوزه انقلابی» یافته‌های تحقیقات بیان شده در مورد مؤلفه‌ها و شاخصه‌های حوزه انقلابی است.

نوآوری این تحقیق این مطلب است که کارکردهای عقل در حوزه انقلابی به چه صورت است و مصادیق مبناساز و محوری در تولید علم که محصول عقل ورزی است؛ مورد تدقیق و احصا قرار گرفته است که به نوع کارد زیربنایی در حوزه معرفتی اشاره ننموده‌اند. هر اندازه که عقل از کارایی بیفتد حوزه انقلابی به معنای پویا و پایبند به عقلانیت را شاهد نخواهیم بود.

سیر بحث از بیان مفهوم‌شناسی آغاز شده و واژگان کلیدی مورد واکاوی قرار گرفته و در ادامه مقصود از عقل در حوزه انقلابی و ماهیت عقل در حوزه انقلابی و کارکردهای آن بیان گردیده است.

### معنای حوزه انقلابی

مقصود از حوزه انقلابی، حوزه متفاوت از لحاظ ساختاری و سازمانی نیست؛ بلکه حوزه‌ای است که در تمام ابعاد آن، روحیه انقلابی‌گری یعنی داشتن دغدغه دینی در اجرای احکام الهی، حضور فعالانه و تأثیرگذار در عرصه‌های اجتماعی و تلاش برای برپایی حکومت اسلامی، وجود داشته باشد که این حضور فعال و مؤثر در جهت نیل به اهداف اسلامی میسر نمی‌شود مگر با مبنا قراردادن عقلانیت و پایبندی به برپایی نظام دینی؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌فرماید: انقلابی‌گری یک مشی صحیح و عاقلانه و پُرانگیزه و پُر امید و شجاعانه به سمت اهداف والا است؛ این تعریف و معنای انقلابی‌گری است (<https://khl.ink/f/39710>) رهبری در این باره می‌فرماید:

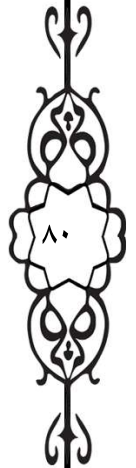
«حوزه انقلابی به معنای واقعی کلمه یعنی معتقد به مبانی انقلاب، معتقد به ارکان فکری انقلاب، مصرّ بر اجرایی کردن مفاهیم انقلابی و رسیدن ارزشها و آرمانهای انقلابی» (<https://khl.ink/f/32763>)

### مقصود از عقل در حوزه انقلابی

مقصود از عقل در حوزه انقلابی عقل با کارایی حداکثری است نه عقلی حداقلی و مقدس همانند اخباریون که از احادیثی بهره برده اند که عقل را در امور دین پژوهی کم کار یا بی استفاده دانسته اند «لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷؛ ص ۱۵۸) دورترین شی در دسترس عقل بشری قرآن است که آب سردی است در استفاده از قرآن با ایزار عقل چنانچه سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲ ق) در این باره می‌گوید: منظور از دلیل عقل که هم در اصول دین و اصول فقه، و هم در فروع دین، منبعی از منابع دینی قلمداد می‌شود، چیست؟ اگر منظور، ادله مورد پذیرش همه خردها و خردمندان باشد؛ چنین اموری وجود خارجی ندارند. "به‌رحال در دیدگاه تفکیک، عقل نور و حقیقتی خارجی است که از سوی خدای متعال به انسان افاضه شده است و آدمی به واسطه آن جزئیات و حقایق را درک می‌کند و عقل حقیقی که در کتاب و سنت به آن اشاره شده غیر از عقلی است که در علوم بشری معرفی شده و تعاریف علوم بشری نظیر فلسفه، از عقل باطل و موهوم است." (ملکی میانجی، ۱۳۷۵، ص ۲۱) در طول تاریخ، حوزه‌های شیعی، شاهد پیامدهای نص‌گرایی و ظاهرگرایی افراطی گروهی با این نوع تفکرات در حوزه‌های علمی بوده است؛ چنانچه حضرت امام در مورد افکار فلسفی چنین فرمودند «در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ی آب نوشید، کوزه را آب کشیدند چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت وضعیت حوزه‌ها وضع کلیسای قرون وسطی می‌شد» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۲۷۹) لذا ما در صدد بیان کارایی عقل و کاشفیت عقل در حوزه دین‌پژوهی در دو حوزه نظری و عملی هستیم.

### تعریف عقل

عقل در لغت به معانی مختلفی بیان شده است؛



- عقل به معنای علم؛ العقل: نقيض الجهل. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ق، ج ۴، ص ۶۹) در این معنای لغوی، عقل برابندی دیده شده و نه عقل فرایندی که گویای روند تولید و گویای مجرای کسب معرفت باشد.

- عقل به معنای رشد و خرد؛ العَقْلُ: الحِجْرُ و النُّهْيُ ضِدُّ الحُمُقِ، و الجمع عُقُول. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸) در تبیین لغوی فهمی مصداقی بیان گردیده و از باب جزء العله است.

- عقل به معنای قوه آماده‌ساز برای قبول علم؛ العَقْلُ يقال للِقْوَةِ المتهَيِّئَةِ لقبول العلم. (راغب، ۱۴۱۲، ق، ص ۵۷۸) این معنا از عقل برخلاف معنای اولی به فرایند اشاره نموده و در ضمن، معنای وجد شناختی مد نظرش بوده است.

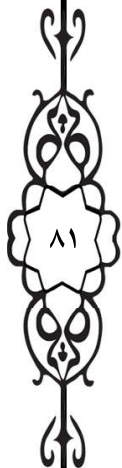
- عقل به معنای تشخیص حق از باطل؛ قد يراد به ما يقابل الجهل و هو الحالة المقدمة على ارتكاب الخير و اجتناب الشر. (راغب، ۱۴۱۲، ق، ص ۵۷۷) در اینجا اشاره به ویژگی عقل شده است که شخص عاقل مدنظرش است.

- عقل به معنای امساک العَقْلُ؛ الإمساك و الاستمساك (قرشی، ۱۴۱۲، ق، ج ۵، ص ۲۸) اشاره به حالتی از حالات عاقل است.

- عقل فهم و معرفت؛ عقل: فهم، معرفت. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸) این معنا معنای برابندی از عقل است.

- عقل به معنای پایبند، قلب، تمییز دهنده، حبس و منع نیز آمده است. (همان) ابن منظور معانی دیگری نیز به نقل از دیگران بیان کرده است.<sup>۱</sup>

۱. مأخوذ من عَقَلْتُ البعيرَ إِذَا جَمَعْتُ قِوَانِمَهُ، و قيل: العاقلُ الذي يَحْبِسُ نفسه و يَرُدُّهَا عن هَوَاهَا، أَخَذَ من قولهم قد اعْتَقَلَ لِسَانَهُ إِذَا حَبَسَ و مَنَعَ الكلامَ. و العَقْلُ: القَلْبُ، و القَلْبُ العَقْلُ، قيل: العَقْلُ هو التمييز الذي به يتميز الإنسان من سائر الحيوان. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸)



در نهایت می‌توان گفت که با توجه به تمایزهای موجود در هر کدام از معانی لغوی که بیان شد؛ در کل، معنای جامع و کلی که منع و جلوگیری باشد؛ می‌توان اخذ نمود (عقل قوه‌ای است که مانع ورود جهل و شر می‌شود) حتی در معنای فهم نیز می‌توان آن را محصول منع دانست.

### تعریف اصطلاحی عقل در علوم مختلف

عقل در عرصه دین‌پژوهی در علوم مختلف (کلام، اخلاق، فلسفه، منطق، فقه) با بیانات گوناگون مطرح گردیده است.

منطق: عقل قوه‌ای است که مدرکات حسی خیالی و وهمی را دور می‌سازد؛ صحیح آنها را از فاسد جدا می‌سازد کلیاتی را انتزاع می‌کند و با سنجش مدرکات با یکدیگر موجب انتقال از معلوم به مجهول می‌گردد. (مظفر، ۱۳۶۲، ص ۱۴)

اخلاق: عقل، بخشی از نفس انسانی است که منشأ انتخاب افعال ارادی یا پرهیز از آنهاست.

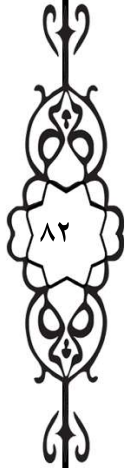
کلام: قضایای بدیهی و ضروری مورد پذیرش همگان. (حائری یزدی، بی تا، ص ۲۴۰)

فلسفه: در فلسفه چند تعریف وجود دارد: (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۱۴)

۱. معنای معرفت شناسانه این است که گاه به معنای صورت علمیه‌ای است که برای عالم حاصل می‌شود و گاه به معنای قوه‌ای است برای نفس ناطقه که انسان را از خیر و شر آگاه می‌سازد.

۲. معنای وجودشناسانه عقل به معنای عالمی است مجرد.

علم فقه و اصول: عقل به معنای نیروی جداکننده‌ی خیر و شر است و مانند علوم دیگر معنای دیگری ندارد؛ لذا در مجموع می‌توان مانند معنای لغوی یک معنای کلی بیان نمود: عقل نفس یا نیرویی است که خیر یا شر را بر اساس اختیار تعیین می‌نماید. (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۳۵) این معنا جامع معانی است که هم حیثیت معرفتی آن لحاظ شده و هم تعریف فرایندی آن.



### ۱- نگاه معرفتی عقل یا هستی‌شناسانه

قبل از ورود به کارکرد عقل ورزی در حوزه، لازم است حیطه بررسی این مسئله مشخص و بیان شود که کارکرد عقل در چه حیطه‌ای است و شامل چه مسائلی نمی‌شود تا با ورود عقل در حوزه دین‌پژوهی جبهه گرفته نشود و موهم این مطلب نشود که عقل، ایجادکننده بوده، و مصلحت و مفسده را ایجاد می‌کند. درحالی‌که عقل، شأنی جز درک ندارد و گاه به سبب تسامحی که عرف می‌پذیرد؛ درکش را حکم عقل می‌خوانند. (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۵۶)

عقل، نقش مصباحیت را در کنار نقل، ایفا می‌کند و هر دو چراغی جهت تبیین معارف ناب الهی هستند. عقل صرفاً عهده‌دار ادراک و فهم قوانین دینی است و به هیچ رو سهمی در بعد هستی‌شناختی دین ایفا نمی‌کند؛ یعنی عقل هرگز حکمی را ایجاد نمی‌کند تا تصور شود که احکام عقلی سهمی در بخش احکام و قوانین دینی دارند. عقل دین‌ساز مبدأ شریعت و میزان آن نیست، بلکه همچون آینه نمایانگر دین و همچون چراغ روشنگر محتوای آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

قبول تلقی هستی‌شناسانه عقل از دین به معنای این است که شارعی در مقابل شارع را پذیرفته باشیم که هیچ متشرع آگاهی این مطلب را عهده‌دار نمی‌شود. اگر کسی ادعا کند که عقل آدمی شأن جعل حکم را دارد، پذیرفته است که عقل می‌تواند در بعد تشریحی دین سهمی داشته باشد و احکامی را به مجموعه دین بیفزاید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹) و در نهایت می‌توان گفت که عقل، فاقد شأن حکمرانی است و فقط جنبه درک حکم را دارد و منبعیت عقل از منظر علوم اسلامی از حیث معرفت‌شناسانه است و ابزار کشف فهم می‌دهد نه اینکه خود، شارع باشد.

#### ۱-۱. عقل مفهوم‌ساز (تلقی هستی‌شناسانه)

برخی در تمایزی خودساخته میان تفلسف دینی و تعقل دینی فلسفه را جدای از تعقل انگاشته و آنرا محصول ذهن بشری می‌دانند: «در هر صورت، در قاموس فلسفه آن کس عاقل‌تر است که بر استدلال‌های پیچیده، حل معضلات فلسفی و مفهوم‌پردازی، تسلط بیشتری دارد؛ اما آیا در قاموس دین نیز چنین است و آنچه قرآن و عترت به‌عنوان شاخصه‌های عقل و عاقل ذکر کرده‌اند چنان

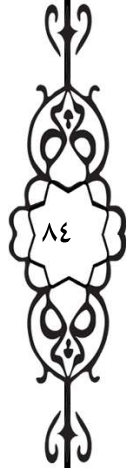
تلقى ای را تأیید می‌کند.» (نصیری، مهدی، ۱۳۸۵، ص ۵۳) البته سزاوار است به‌مانند آیت الله جوادی آملی این مطالب را سخنی ناروا بدانیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸)

## ۲. ابعاد معرفتی

کارایی عقل در کسب معرفت را می‌توان در ابعاد مختلفی تبیین نموده و مورد واکاوی قرار داد و از طرفی در طول ادوار مختلف دین‌پژوهی در حوزه، سیر تطور عقل، دارای فراز و نشیب زیادی بوده که گاه حتی به گوشه‌نشینی و عدم کارایی عقل منجر شده و شاهد پیامدهای آن در طول تاریخ بوده‌ایم که در این مقال، مجال صحبت از پیامدهای عقل‌گریزی نیست و به بیان کارآمدی آن می‌پردازیم و با در نظر داشتن این مسئله که نگاه درست به عقل و عقل‌ورزی چگونه می‌تواند باشد و حوزه انقلابی به‌عنوان ایده‌آل و جامعه هدف می‌تواند چه نگاهی به عقل داشته و تا چه اندازه از آن بهره‌گیرد از دو بعد شناختی و نگرشی عقل را مورد بررسی قرار می‌دهیم و به کارایی عقل در این دو بعد می‌پردازیم و نگاه ناصواب را مورد نقد قرار می‌دهیم.

### ۲-۱. بعد شناختی

مقصود ما از بعد شناختی، شناخت و کسب معرفت در مرحله فهم و تفهم معارف از منابع دینی است و حال سؤال ما این است که آیا امکان فهم معارف با واسطه عقل، میسر می‌شود یا نه؟  
قائلین به عدم امکان فهم عقل از مصالح و مفاسد که عمده اخباریون و در رأس آن محمدا مین استرآبادی است؛ عقل را به‌طور کلی عاصم از خطا نمی‌پندارند و تنها معصوم از خطا را نقل برمی‌شمارند «أما العقلی: فما حققناه سابقاً من أن المنطق غیر عاصم عن الخطأ فی مواد الأفكار والعاصم عنه صاحب العصمة» (استرآبادی، ۱۴۲۴ ق، ص ۴۰۵) این گروه به‌طور کل، سهمی برای عقل در کسب معرفت نمی‌بینند و یا در جایی دیگر تنها کار عقل را افاده ظن می‌داند «الدلیل الرابع: أن کلّ مسلک غیر ذلک المسلک إنّما یعتبر من حیث إفادته الظنّ بحکم الله تعالی، و قد أثبتنا سابقاً أنه لا اعتماد علی الظنّ المتعلّق بنفس أحكامه تعالی أو بنفیها.» (استرآبادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۴۰۶)



دسته دیگری علی‌رغم ادعایشان بر عدم تعطیل انگاشتن عقل، عقل‌ورزی را آن‌قدر محدود نموده که گویا عقل، کاربردی بیش از این ندارد و کاربرد فهم عقل را محدود به مستقلات عقلیه می‌دانند.<sup>۱</sup> (رک نصیری ۱۳۸۵، ص ۳۳)

در جهت اثبات مدعایمان (فهم عقل از مصالح و مفاسد) دو دلیل را مطرح می‌نماییم:

### الف) دلیل عقلی

وقتی انسان با مراجعه به عقل خویش، در انجام‌دادن کاری مصلحت تام که غفلت از آن نادرست و به دست آوردنش الزامی است؛ مشاهده کرد و در این درک قاطع بود؛ عقل عملی به لزوم انجام‌دادن آن، حکم می‌کند. چنان‌که وقتی در پدیدآمدن عملی مفسده کامل (که لزوماً باید از آن پرهیز شود) مشاهده کرد؛ بی‌تردید، عقل عملی به لزوم ترک آن حکم می‌دهد که هر قانون‌گذار مصلحت‌اندیش و حکیم باید به لزوم انجام‌دادن فعل واجد مفسده حکم کند. (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۹۴)

وقتی قطع به عمل صورت پذیرفت؛ احتمال خلاف دیگر برای شخص قاطع وجود ندارد و وقتی آن را با اهداف شریعت و مبانی شریعت مطابق دید؛ تردیدی در خود راه نمی‌دهد و به لزوم حکم شارع مقدس بر این امر حکم می‌دهد و فرقی نیز در این نمی‌بیند که آن امر قطعی در مستقلات عقلیه است یا در غیر مستقلات مانند وجوب مقدمه بر ذی‌المقدمه، تعدد الهه موجب فساد عالم است، شریک‌الباری غیرممکن است و از طرفی غیرقابل‌فهم بودن دین با صفات حکمت، عدل و هدایتگری حق، مغایرت و معارضت دارد. این خود، دلیل مستحکم عقلی بر فهم درست عقل در کسب مبانی نظری است و نمی‌توان عقل را موجودی کور و کر ولی دارای تقدس سفارشی از نقل دانست.

۱. از میان اصولیون به مرحوم خوئی، شیخ انصاری و شهید صدر می‌توان اشاره کرد که عقل را ناکارآمد در درک مصالح و مفاسد واقعی می‌دانند؛ البته این نکته هم قابل‌ذکر است که اینان عقل را به‌عنوان دلیل مستقل در استنباط شرعی قبول دارند.

### (ب) دلیل نقلی

روایاتی که در مورد حجیت عقل و مدرکات عقلی هستند؛ زیاد بوده و دارای اطلاق هستند و حتی اگر فهم ذاتی عقل را بی‌اعتبار بدانیم؛ خود نقل، دلیلی بر این مدعا است که چند نمونه از این دست روایات در مورد حجیت عقل و بالتبع، مدرکات عقلی را بیان می‌کنیم.

روایت اول

«قال الامام الكاظم (ع): يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُتَمَّةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۱، ص ۱۶)

ای هشام خداوند بر بندگان دو حجت دارد حجت ظاهری و باطنی؛ حجت ظاهری انبیا هستند و حجت باطنی عقل است.

روایت دوم

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ وَ الْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ». (کلینی، ق ۱۴۲۹، ج ۱؛ ص ۵۷)

امام صادق علیه‌السلام فرمودند حجت خدا بر بندگان رسول است و حجت بین بندگان و خداوند عقل است

روایت سوم

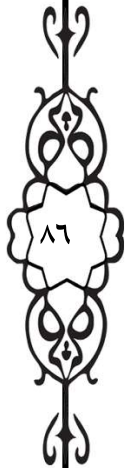
«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ».

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: عقل دلیل مؤمن است (شیرازی، ۱۳۸۳، ش، ج ۱، ص ۵۶۷)

روایت چهارم

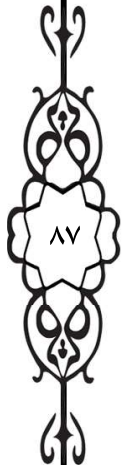
«وَ قَالَ (ص) إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ». (حرانی، ۱۳۶۳، ق، ص ۵۴)

به درستی تمام خوبی‌ها به وسیله عقل درک می‌شود و کسی که عقل ندارد، دین ندارد.



این روایات به اندازه کافی گویای مدعیان هست و با توجه به معنای حجت می‌توان گفت عقل، قوه درآکه‌ای است که با درک ذاتی خود به حقیقتی والا می‌رسد؛ در کنار عقل و فهمی که معارف آن برگرفته از نقل است؛ به طوری که می‌توان گفت «رمز اصلی ماندگاری دین اسلام خصوصاً مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در همین پیوند استوار نقل و عقل است» (مهدوی حسینی، ۱۳۹۵، ق، ص ۸). از آنجا که مکتب تفکیک، عقل را در کاربرد فلسفی آن محدود می‌شمارند؛ استفاده از چنین عقلی را در برداشت معارف دینی، درست نمی‌پندارند. این در حالی است که مدعیان دین اصیل با شعار عدم امتزاج دین با رسوبات ذهنی، با پرچم دین راستین به تقابل با عقل‌ورزی و تفلسف پرداخته‌اند و فهم از روی تعقل را امتزاج در دین می‌پندارند؛ چنان‌که جناب آقای حکیمی می‌فرماید «و آنان ظواهر کتاب و سنت را که حجت است دگروار معنی کنند و به چیزی برگردانند و هر کدام بنا بر مشرب خویش معنایی و مرادی بر آیات تحمیل نمایند» (حکیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲) و در جایی دیگر با استناد به این احادیث (الْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ) به تأویلی وارونه نسبت به حدیث می‌پردازند: «حجت باطنی برای آن است که حجت ظاهری را بجوید و حجت ظاهری برای آن است که حقایق را به حجت باطنی بگویند» (حکیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲). مکتب تفکیک که عقل را به تنهایی نه در عرصه فهم دین دارای اعتبار می‌دانند؛ با استناد به این حدیث و احادیث مدعی است که عقل درک حقایق نمی‌نماید و فقط درک می‌کند که باید از حجت ظاهری پیروی کرد و حقایق منحصرراً در دست حج ظاهری یعنی انبیا است و اینجا باید از مکتب تفکیک پرسید مدرک عقل یعنی ضرورت پیروی از حجت حقیقتی از حقایق است یا نیست؟ (مهدوی حسینی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۹)

در روایات طاعت و عبادت خداوند، انجام‌دادن واجبات و ترک محرمات غلبه بر هوا و هوس، تسلط بر زمان، پیراسته شدن از عیوب و اصلاح آنها، معرفت خداوند و حجت‌های صادق، استقامت و همراهی با حق، دوری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی، کم‌گویی، مدیریت و اصلاح امور، تقدیر و اعتدال در زندگی، آگاهی، حفظ و علم به عقل و کاربرد آن نسبت داده شده است. (علیدوست، ۱۳۸۵، شماره ۸ ISC ص ۲۲) که همه‌وهمه نشانگر فهم مستقل عقل است و شناخت عقل را به نحو ارشادی مورد تأیید قرار می‌دهد.



عدم فهم درست این بُعد عقل، یعنی شناخت از مصالح و معارف دینی موجب پیامدهایی در نحوه نگرش حوزه‌ها در طول ادوار مختلف بوده و کارآمدی حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ لذا تحلیل درست این مسئله موجب کارآمدی هرچه بیشتر حوزه انقلابی (در مسائل مختلفی همچون تولید علم، گفتمان‌سازی، مبارزه با خرافات، و... (که در بخش بعدی به آن اشاره می‌کنم) می‌شود.

## ۲-۲. بعد نگرشی

در ابتدا لازم است مقصودمان را از نگرش مشخص نماییم: مرحله نگرش بعد از مرحله امکان شناخت عقل در کسب معارف حقه الهی است در این مرحله به بیان نحوه کاربرد عقل در، استنباط، تحلیل، مبناسازی معارف دینی در دو بخش مبانی علمی حوزه انقلابی و مبانی عملی حوزه انقلابی می‌پردازیم و متذکر می‌شویم که حوزه انقلابی چه نوع کاربردی در بعد نگرش در مبانی علمی و عملی می‌تواند داشته باشد.

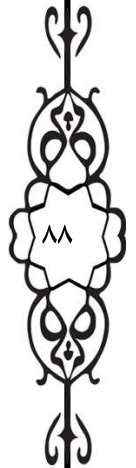
### ۲-۲-۱. مبانی علمی

در سازوکار استنباط، تنظیم و تبیین معارف سه نوع کاربرد را می‌توان برای عقل متصور بود که هرکدام از این موارد کاربردی سازندگی در باروری علوم معارفی دارد و حوزه ایده‌آل انقلابی می‌تواند با توجه به این کارکردها در مبانی علمی خود کارساز باشد.

### الف) کاربرد استقلالی

منظور از کاربرد استقلالی این است که عقل در کنار قرآن و سنت به‌عنوان منبع مستقلی لحاظ گردد. «در مذهب شیعه بیش از معتزله برای عقل استقلال و اصالت و حجیت اثبات شده است. از نظر شیعه به‌حکم روایات مسلم معصومین، عقل پیامبر باطنی و درونی است همچنان که پیامبر عقل ظاهری و بیرونی است. در فقه شیعه عقل یکی از ادله چهارگانه است.» (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۰۱)

عقل در سه جایگاه، کاربرد استقلالی دارد؛ صغرا و کبرای مستقلات عقلیه و کبرای غیر مستقلات عقلیه (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۶۷) در جایگاه اول که میان معتزله و اشاعره اختلاف است و اشاعره حسن و قبح عقلی را نمی‌پذیرند و در جایگاه دوم و سوم، عقل به‌صورت مستقل به کشف



معارف می‌پردازد که پذیرش این مسئله مخصوصاً در غیر مستقل عقليه کاربرد فراوانی در پذیرش ملازمه قاعده "ماحکم به العقل حکم به الشرع" دارد که مخالفین جدی در این مسئله وجود دارد. همچنین خواجه طوسی در مورد حسن و قبح می‌فرماید: به استقلال عقل در در مورد نقل و شرع اشاره دارد: أمران عقليان بوجوه: هذا أولها، وتقريره: أنا نعلم بالضرورة حسن بعض الأشياء وقبح بعضها من غير نظر إلى شرع، فإن كل عاقل يجزم بحسن الإحسان ويمدح عليه، وبقبح الإساءة والظلم ويذم عليه، وهذا حكم ضروري لا يقبل الشك وليس مستفاداً من الشرع لحكم البراهمة والملاحدة به من غير اعتراف منهم بالشرائع. (علامه حلی، ۱۴۰۷، ص ۵۹)

– از جمله کارکردهای استقلالی عقل، در حوزه عقاید، ادراک استقلالی امّات گزاره‌های لاهوتی است. باورهای اصلی و پایه مانند وجود واجب، توحید، معاد، ضرورت دین و نبوت عامه را مستقلاً درک می‌کند. (رک. رشاد، ۱۳۸۵، ص ۹)

– از جمله کارکردهای استقلالی عقل درک امّات اخلاقی می‌باشد (همان، ص ۹) (عدم نسبی بودن اخلاقیات)

### ب) کاربرد آلی

کاربرد آلی عقل برعکس کاربرد استقلالی عقل، حتی مخالف (در بعضی مصادیق) در گفتار نیز ندارد. به کاربردی از عقل گفته می‌شود که عقل در خدمت دیگر ادله همچون ابزاری وجود دارد (یا در بعضی موارد حجّتش را از دیگر ادله می‌گیرد و به کمک آنها می‌آید) و در قیاس کبری را از دیگر ادله وام می‌گیرد و خود معرفت‌زا نیست که حتی استرآبادی که مدرکات عقلی را عاصم از خطا نمی‌داند در این مورد در ذیل مسئله اثبات صانع می‌فرماید: «فالعقل يميز بين الصواب والخطأ والظن واليقين ويختار الصواب واليقين. وهذا معنى كونه حجّة كما يستفاد من الروايات، وأن العقل مستقل بتحصيل المقدمات كما ذهبت إليه المعتزلة» (استرآبادی، ۱۴۲۴، ق، ص ۴۲۷).

وی این معنا از عقل را حجت می‌داند و با توجه به صحبت‌های قبل در کتاب فوائد المدنیه، اصالت شناخت را به معرفت فطری می‌دهد و کاشفیت عقل را معرفت فطری می‌داند و البته بعضی از معتدلین اخباریون، عقل را در اثبات اصول دین حجت می‌دانند و بعد از آن دیگر قایل به عدم حجیت هستند.

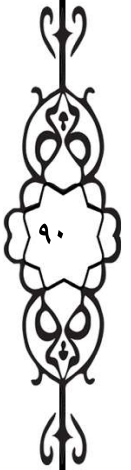
\*مصادیقی از این نوع کاربرد عبارت‌اند از:

۱. اثبات صفات واجب الوجود
۲. اثبات یا عدم اثبات حجیت قطع، خیر واحد
۳. در تفسیر ادله دیگر
۴. تخصیص یا تعمیم ادله دیگر
۵. کاربرد عقل در تعارض ادله
۶. نقش عقل در تصحیح یا رد اسناد روایات
۷. استفاده از عقل در مفهوم‌گیری از ادله
۸. استفاده از عقل در مبناسازی و قاعده‌سازی از منابع روایی که از هر قاعده صدها حکم صادر می‌شود.
۹. استفاده از عقل در جهت تشکیل قیاسات منتهی به حکم
۱۰. شناخت خصوصیات هر حوزه معرفت دینی مثل اخلاق، عقاید، فقه
۱۱. دلیل اجماع در صورتی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد (در صورتی که اعتبار آن از نقل باشد)
۱۲. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از فهم دین
۱۳. رد فروع بر اصول

### ج) کارکرد مبناسازی و قاعده‌سازی

مقصود از مبناسازی، کشف مبانی نظری در فرایند استنباط است و تفاوت این مورد با مورد کاربرد آلی در این است که عقل مستقلاً به ایجاد مبانی در جهت کشف معارف می‌پردازد مانند:

قاعده قبح عقاب بلا بیان؛



۲. حکیمانه و عادلانه بودن تفسیر کردن متون دینی؛ بدین توضیح که: عقل اثبات می‌کند که خداوند حکیم و عادل است و در نتیجه ثابت می‌شود که گفتار و کردار او باید حکیمانه و عادلانه باشد. بنابراین احکام الزامی و ارزشی الهی نیز حکیمانه و عادلانه خواهند بود و بدین صورت اعتقاد به حکمت و عدالت الهی برای درک هویت نظام‌های معرفتی دین، مبناسازی می‌کند و در اختیار فهمنده می‌گذارد. لهذا مفسر درک فروع را براساس اقتضائات این صفات سامان می‌دهد و اگر در خلال احکام مستنبطه به آموزه‌هایی برخورد کرد که برخلاف حکمت الهی است به آن اعتنا نمی‌کند. (رشاد، ۱۳۸۵، ص ۳۸)

۳. قاعده لطف: که کاربرد فراوانی در حوزه فقه و کلام دارد. از باب لطف، خداوند باید و اسباب هدایت بشری را فراهم نماید.

#### ۲-۲-۲. مبانی عملی

بر اساس مطالب قبل، مبانی عقل عملی در حوزه انقلابی برگرفته از مبانی عقل علمی حاصله از تعقل است؛ لذا در ذیل مواردی بیان می‌شود که زیربنای حوزه عقل‌ورز در مقام فعل است و دقت در این مبانی ایجاد توفیقاتی در حوزه می‌کند که در ذیل اشاره می‌گردد:

#### الف) حوزه آزاداندیش (آزاداندیشی فکری)

فرزند صالح عقلانیت در حوزه، آزاداندیشی است؛ قبول نظر مخالف، مذهب مخالف، و دین مخالف است؛ البته نه به معنای استحاله؛ بلکه به معنای عدم تکفیر و پذیرش وجودی به‌عنوان یک تفکر مدنظر ماست.

این نوع رفتار به‌عنوان یک کنش نشئت‌گرفته از الگوهای معرفتی ما یعنی ائمه است و با تسری این بخش در کرسی‌های آزاداندیش در حوزه علمیه و نقد و نقدپذیری گامی بلند در عقلانیت انقلابی است؛ لذا وقتی سیره رفتاری امام رضا علیه‌السلام را مشاهده می‌کنیم می‌بینیم:

\*در درجه اول به مخالفین میدان ابراز عقاید داده می‌شد و حتی دعوت آنها را مبنی بر مناظره می‌پذیرفتند «فَأَلْتَقَتَ الرُّضَاعَ إِلَى رَأْسِ الْجَائِلُوتِ فَقَالَ لَهُ تَسَأَلْنِي أَوْ أَسْأَلُكَ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۲۷). علی‌رغم قبول مناظره امام با جاثلیق و دیگر مخالفین، به آنها میدان ابراز عقاید داده می‌شد.

\*در درجه دوم میدان سخن گفتن به آنها داده می‌شد؛ مانند حضرت علی بن موسی در مناظره با عمران صابی «سَلُّ يَا عِمْرَانُ وَ عَلَيْكَ بِالنَّصْفَةِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطْلَ وَ الْجَوْرَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ق، ص ۴۲۷)

\*رعایت احترام مخالف و صبر و حوصله در برخورد با آنها؛ همانند موقعیتی که حسین بن قیاما از رؤسای واقفیه وقتی این جمله را گفت «إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّهُ لَا يَمْضِي الْيَوْمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۹، ص ۲۶۱) و بعد از چند دقیقه امام با آرامی جواب دادند.

با توجه به این گفتار، این رفتار عالمانه بستری را جهت تضارب آراء و در نتیجه شفافیت نظرها و تعیین راه درست فراهم می‌کند.

### ب) حوزه آزاداندیش مقدمه‌ساز حوزه گفتمان‌ساز

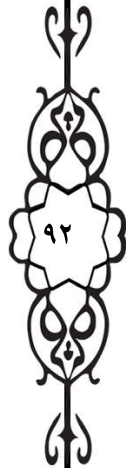
محوریت گفتمان بر اساس عقلانیت و منطق است. بدون توجه به عقاید مقابل و آزاداندیشی نمی‌توان ارتباط درستی را برقرار نمود و مخاطب را قانع نمود رهبری در این مورد می‌فرماید:

«گفتمان یعنی باور عمومی، یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عمومی تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند. این گفتمان‌سازی با گفتن حاصل می‌شود: با تبیین لازم و تبیین منطقی تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل می‌شود با زبان صحیح با زبان علمی و منطقی و با زبان علمی و زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد». (مجموعه مقالات همایش ملی حوزه انقلابی؛ ص ۱۱۶)

به هر صورت، اگر حوزه نتواند آموخته‌های دینی خود را معقولانه بیان کند؛ به هدف خود که عمل و کاربست تعالیم دینی در جامعه اسلامی است؛ نخواهد رسید. «آزاداندیشی خاصیت علمی بودن است و تحجر در میدان علم، اصولاً معنا ندارد.» (<https://khl.ink/f/10432>)

### ج) نظریه‌پردازی و تولید علم

تولید علم و نظریه‌پردازی در دین پژوهی به‌هیچ‌روی به معنای هستی‌شناسانه بدان صورت که مطلبی مازاد از اسلام وارد گردد و چیز جدیدی ایجاد گردد نیست؛ بلکه به معنای معرفتی و کشف



حقایق از درون منابع اصیل اسلامی با تمسک به عقل ورزی است؛ لذا تولید علم در دو حوزه عقل نظری و عقل عملی قابل تصور است.

کشف گوهرهای معرفتی میسر نمی‌گردد؛ مگر در دو جایگاه ۱. فهم حوزه‌های معرفتی پیشینی و دیگر ۲. ابداع معرفت‌های پسینی.

### ۱. فهم حوزه‌های معرفتی پیشینی و دیگر

شکی نیست تولید علم مبتنی بر نوآوری با نگاهی بر تحقیقات قبلی انجام می‌گیرد خواه این تحقیقات درون دینی بوده خواه بیرونی و گرفته از خارج جهان اسلام و منطق و فلسفه ایجاد معرفت پیشینی می‌کند و حال صحبت اینجاست که برخی با استناد به روایاتی از ائمه، هر معرفتی خارج از علوم نقلی غیرقطعی را، بافتنی ذهن می‌دانند چه پیشینی باشد و چه پسینی همچون:

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لِسَلْمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ شَرْقًا وَ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ ق ج ۱ ص ۳۹۹) امام باقر می‌فرماید: به مغرب بروید یا مشرق علم صحیحی نخواهید یافت مگر از ما اهل بیت.»

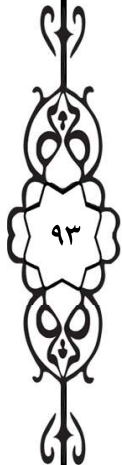
این افراد که اخباریون و نواخباریون هستند با تمسک به این روایات، ورود علمی مثل فلسفه و علم اصول را انحراف در معرفت‌جویی دینی می‌دانند. به این اشکال دو جواب مختصر می‌توان داد:

الف - این روایات موردی و مربوط به افرادی بوده که در مقابل امام دکان‌سازی کرده بودند نه علوم دیگر را.

ب - روایاتی که کسب معرفت را از دیگران حتی اهل نفاق جایز می‌دانند؛

\* قَدْ قَالَ عَلِيُّ ع فِي مِثْلِ ذَلِكَ: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۸۳)

\* عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۹)

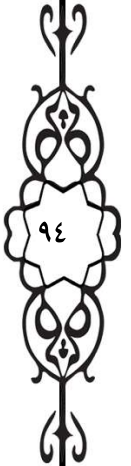


\* وَ بَيِّنَاتٍ عَنِ عَلِيٍّ قَالَ: أَلْعِلْمُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۶۶)

## ۲. ابداع معرفت‌های پسینی

ابداع این‌گونه معرفت‌ها حاصل نمی‌گردد مگر با مدد عقل و عقل‌ورزی صحیح و لکن موانعی در نیل به این امر وجود دارد که برطرف نمودن آن موجب تولید علم در حوزه انقلابی می‌گردد:

۱. خود باختگی و عدم اعتماد بنفس
۲. اسطوره‌سازی از علمای گذشته و این تفکر که علمای پیشین فقط قادر به تولید علم و نظریه‌پردازی بوده‌اند.
۳. حجاب معاصرت؛ تا کسی زنده است به افکار و عقاید او توجه لازم نمی‌گردد.
۴. سنت زدگی و کهنه‌گرایی
۵. فقر سنت نقد و نقدگرایی و کرسی‌های آزاداندیشی است
۶. عدم تخصیص بودجه کافی
۷. عدم فراغت جهت کارهای پژوهشی متأسفانه بیشتر وقت طلبه را آموزش (برای محصل) و تدریس (برای استاد) فراگرفته است.
۸. سوداندیشی یا مریدپروری در تولید علم
۹. فقدان روش گفتگو
۱۰. نبودن آموزش پژوهش‌محور در حوزه
۱۱. هدفمند و روشمند نبودن انتخاب موضوعات پژوهشی
۱۲. چالش‌های اقتصادی
۱۳. چالش‌های فرهنگی و اصل قراردادن تقلید و مدگرایی بر تولید



#### د) روشنفکری

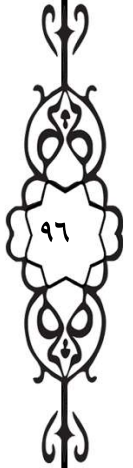
نواندیشی دینی در حوزه را نمی‌توان به معنای روشنفکری دانست؛ زیرا این مسئله، مرجعیت خود را از وحی داشته و از دریچه عقل به دین‌پژوهی می‌پردازد؛ ولی روشنفکری ریشه در عرصه تحقیق و پژوهش، دید نو، بیان نو، و نظریه‌پردازی نو باید بر اساس واکاوی عقل در تجزیه مشکل باشد. می‌توان شهید مطهری را در این مورد به‌عنوان شاخصه بیان نمود که حتی بعضی مسائل را به بیست و هشت مسئله تجزیه می‌نمودند، هر چه مشکلات وارده بر حوزه مورد تجزیه بهتری قرار گیرد جواب‌گویی شایسته‌تری نسبت به آن صورت می‌پذیرد.

بازسازی معرفت دینی و تطبیق آن از دریچه عقل و در نظر گرفتن قانع‌کنندگی آن برای ذهن‌های مشوش امروزی که تحت تأثیر فضای مجازی آکنده از شبهات شده لازم است و جواب‌های نو و قانع‌کننده می‌طلبد؛ لذا شهید مطهری با صراحت در این مورد می‌فرماید: انتظاراتی که مردم امروز از روحانیت و اسلام دارند، غیر از انتظاراتی است که نسل‌های گذشته داشته‌اند... اگر روحانیت ما هر چه زودتر نجبنند و گریبان خود را از چنگال عوام خلاص، و قوام خود را از چنگال عوام خلاص نکند و روشن‌بینانه گام بردارد، خطر بزرگی از ناحیه اصلاح‌طلبان بی‌علاقه به دیانت متوجهش خواهد شد. امروز ملت، تشنه اصلاحات نابسامانی‌هاست و فردا تشنه‌تر خواهد شد. (مجموعه مقالات حوزه انقلابی، ج ۱، ص ۱۴۱)

#### نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان عقل‌ورزی در حوزه انقلابی را چنین بیان داشت: حوزه انقلابی در اصطلاح به معنای حوزه‌ی مطلوبی است که در هدایت مردم، قابلیت جانشینی پیامبر و ائمه را دارد و عقل در چنین حوزه‌ای بر طبق کاشفیت ذاتی و نقل از خود ائمه دارای کارایی حداکثری در دین‌پژوهی بوده و فارق بین خیر و شر است و عقل انقلابی در تقابل با عقل قدسی گوشه‌نشین با کارایی حداقلی و معطل است؛ همان‌طور که عده‌ای مبانی نظری و عملی‌شان چنین بوده و طلابی با این تفکر تربیت نموده‌اند و از عقل‌ورزی چیزی به غیر اسم باقی نگذاشتند.

کارایی عقل در دو بعد شناختی و نگرشی بیان گردید. در بعد شناختی، امکان دستیابی عقل به مصالح و مفاسد با دو دلیل نقلی و عقلی اثبات شد و در بعد نگرشی (استنباط، تحلیل، میناسازی)



از حیث عقل نظری و عملی کاربردهایی را می‌توان در نظر داشت که در عقل نظری سه نوع کارکرد را بیان نمودیم:

الف) کارکرد استقلالی عقل در کنار قرآن و سنت به‌عنوان منبع مستقلی لحاظ می‌گردد و کاربرد فراوانی را داراست مانند اثبات وجود واجب، توحید، معاد، ضرورت دین و نبوت عامه و درک امّهای اخلاقی.

ب) کارکرد آلی که به‌عنوان نمونه به این موارد می‌توان اشاره کرد: اثبات صفات واجب‌الوجود؛ ۲. اثبات یا عدم اثبات حجیت قطع، خیر واحد؛ ۳. در تفسیر ادله دیگر؛ ۴. تخصیص یا تعمیم ادله دیگر؛ ۵. کاربرد عقل در تعارض ادله؛ ۶. نقش عقل در تصحیح یا رد اسناد روایات؛ ۷. استفاده از عقل در مفهوم‌گیری از ادله؛ ۸. استفاده از عقل در مبناسازی و قاعده‌سازی از منابع روایی که از هر قاعده صدها حکم صادر می‌شود؛ ۹. استفاده از عقل در جهت تشکیل قیاسات منتهی به حکم؛ ۱۰. شناخت خصوصیات هر حوزه معرفت دینی مثل اخلاق، عقاید، فقه؛ ۱۱. دلیل اجماع؛ در صورتی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد (در صورتی که اعتبار آن از نقل باشد)؛ ۱۲. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از فهم دین؛ ۱۳. رد فروع بر اصول.

ج) کارکرد مبناسازی: ایجاد قواعدی در تحلیل و استنباط و فهم درست علوم فقهی و کلامی. عقل عملی: مشخصه‌های حوزه انقلابی در مقام فعل ۱. آزاداندیشی فکری؛ ۲. گفتمان‌سازی؛ ۳. نظریه‌پردازی و تولید علم (فهم معرفت‌های پیشینی و ابداع معرفت‌های پسینی)؛ ۴. نوآوری

#### منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق) *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام* (چاپ اول) تهران: بی‌نا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق) *التوحید*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ق) تحف العقول، غفاری، علی‌اکبر، قم، جامعه مدرسین
۴. ابن منظور محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر
۵. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ هـ ق) معجم مقاییس اللغه، محقق مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
۶. جمال خوانساری، محمد بن حسین، (۱۳۶۶ ش) شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم (چاپ چهارم)، تهران. بی نا
۷. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۵) مجموعه مقالات حوزه علمیه انقلابی، قم، مرکز نشر المصطفی
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶) عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء،
۹. خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۹) صحیفه نور، تهران، سروش
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن، (مترجم صفوان عدنان داودی) دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت
۱۱. رشاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۵) گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهیم و تحقق دین مجله: حقوق اسلامی « شماره ۸ ISC (۳۰ صفحه - از ۹ تا ۳۸)
۱۲. روح‌الله خمینی، (۱۳۵۶) ولایت فقیه، ص ۵۶، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)،
۱۳. سهم آزادی، اخلاق و منطق در خلاقیت علمی و تفکر دینی مجله پگاه حوزه سی یکم خرداد ۱۳۸۲، شماره ۹۶-۹۷
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق) نهج البلاغه للصبحی صالح (چاپ اول)، قم، بی نا
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (بی تا) شرح اصول الکافی، خواجه‌ی، محمد، بی جا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۱۶. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۳) فقه و عقل، تهران، فرهنگ و اندیشه
۱۷. قرشی، سید علی‌اکبر قاموس قرآن، (۱۴۱۲) تهران، دار الکتب الإسلامیة

۱۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ ه ق) قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (۱۴۰۳ ق) غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیة
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (چاپ: چهارم)، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (بی تا)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۲۲. محمدامین استرآبادی، (۱۴۲۴) الفوائد المدنیة والشواهد المکیة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين
۲۳. محمدرضا حکیمی، (۱۳۸۲) مکتب تفکیک، ص ۱۸ دلیل ما، قم
۲۴. محمدرضا، مظفر المنطق، (۱۳۶۲) قم، انتشارات اسلامی
۲۵. مرتضی، مطهری، (۱۳۹۵) مجموعه آثار، صدرا، تهران
۲۶. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۵) مجله: حقوق اسلامی « بهار، شماره ۸ ISC (۲۲ صفحه - از ۳۹ تا ۶۰)
۲۷. ملکی میانجی، محمد باقر، مناهج البیان فی تفسیر القرآن، (۱۳۷۵)، تنظیم محمد بیابانی اسکویی، اشراف حسین درگاهی، تصحیح عزیز آل طالب، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۸. مهدوی حسینی سید محمدعلی، (۱۳۹۵) توهّم تعقل، قم، کتاب ناب
۲۹. نصیری، مهدی، (۱۳۸۵) فلسفه از منظر قرآن و عترت، تهران، کتاب صبح

